



بررسی دیدگاه سلفیه جهادی ذیل روایت "سیف"

«بعثت بین یدی الساعة بالسيف حتى يعبد الله تعالى وحده لا شريك له، وجعل رزقي تحت ظل رمحي»

علی اکبر لطفی*

چکیده

جهاد و استفاده از سلاح در دفاع از حریم اسلام، از جمله مسائلی است که در آموزه‌های دینی، تأکید زیادی نسبت به آن شده است؛ تا جایی که پیامبر گرامی اسلام ﷺ، اصحاب را بر این امر ترغیب می‌نمودند. امروزه سلفیه جهادی به عنوان گروهی که تنها راه انتشار اسلام را جهاد مسلحانه می‌دانند، سعی در تطبیق عمل کرد خود با نصوص شرعی دارد، و برداشت‌های نادرست خود را از این نصوص ترویج می‌نمایند؛ از جمله روایات مورد تأکید و استناد گروه سلفیه جهادی در توجیه عمل کردشان، روایت سیف می‌باشد که برداشت‌های نادرستی را ذیل این روایت بیان کرده‌اند. استفاده از سلاح برای دفاع از حریم اسلام، امری ضروری و مورد تأیید دین و عقل است؛ اما تکفیری‌ها می‌گویند: این روایت بیان‌گر آن است که بنابر فرمایش پیامبر ﷺ، تنها راه انتشار اسلام، جهاد مسلحانه است و تنها در سایه شمشیر، دین گسترش می‌یابد. برداشت دیگر تکفیری‌ها این است که پیامبر ﷺ در ضمن این روایت تصریح فرموده‌اند که رزق‌شان تنها از طریق جنگ و تصاحب اموال مغلوبین حاصل می‌شود؛ در حالی که با بررسی روایت روشن می‌گردد که این روایت از جهت سندی مخدوش و نزد حدیث‌شناسان غیر قابل اعتنا است؛ همچنین نسبت دادن انحصار گسترش اسلام با جهاد مسلحانه به پیامبر ﷺ، ادعایی واهی و بی‌اساس است؛ علاوه بر این، منحصر کردن روزی پیامبر ﷺ از طریق جنگ و غنائم جنگی نیز، با روایات موجود و اسناد تاریخی هم‌خوانی ندارد.

کلیدواژه‌ها: سلفیه جهادی، روایت سیف، جهاد مسلحانه.

* کارشناس ارشد مذاهب اسلامی، دانش‌پژوه موسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم‌السلام)

مقدمه

اصلاح جامعه و دعوت به دین بر طبق نصوص شرعی و سیره پیامبر ﷺ، از وظایف مسلمانان است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز در مرحله اول تبلیغ، با حکمت و موعظه حسنه از سوی خداوند مبعوث شدند؛ از سویی، استفاده از شمشیر و جهاد در مواقعی که بدخواهان قصد تعرض به ممالک اسلامی را داشته‌اند و یا مانع از نشر اسلام بوده‌اند، از سوی پیامبر ﷺ با برخی از قبائل و یا کشورها صورت پذیرفته است؛ با این وجود، ایشان هیچ‌گاه رویکردی خشونت‌آمیز در انتشار و گسترش دین نداشتند؛ اما آنچه که امروزه از برخی گروه‌های تندرو مشاهده می‌شود این است که با تکیه بر روایات وارده از پیامبر ﷺ، اقداماتی را در ممالک انجام می‌دهند و منتسب به دین می‌نمایند، که این امر موجب زشت جلوه دادن چهره اسلام شده است؛ از جمله این روایات که بسیار مورد اعتنای این گروه‌ها است، روایت سیف می‌باشد؛ تا جایی که گروه تکفیری داعش در نشریه رسمی خود در جلد چهارم، مقاله‌ای مفصل را به بررسی و تطبیق عمل‌کردشان با این روایت آورده است. تکفیری‌های تندرو با استناد به این روایت، اقدام به کشتار و غارت اموال مسلمانان نموده‌اند؛ با توجه به اینکه در استنباط‌هایی که گروه‌های تکفیری به این روایت دارند، کتاب و یا مقاله‌ای مستقل یافت نشد، و تنها برخی از نویسندگان مانند یوسف قرضاوی در کتاب فقه الجهاد خود اشاره به بحث سندی این روایت نموده‌اند؛ لذا ضرورت ایجاب می‌کند، ضمن تبیین دقیق استنادات این گروه افراطی به این روایت، به نقد دیدگاه آنها پرداخته شود. در این مقاله، ضمن بیان دیدگاه سلفیه جهادی و ادعاهای وارد شده از سوی ایشان ذیل روایت سیف، با تکیه بر منابع معتبر فریقین، به بررسی سندی و متنی این روایت پرداخته شده، تا حقیقت امر و برداشت نادرست این گروه بر همه آشکار گردد.

تبیین روایت "سیف"

از جمله روایاتی که مورد استناد سلفیان تکفیری می‌باشد، و بر طبق آن، منهج اسلام را در برخورد با مخالفین معرفی می‌نمایند، روایت "سیف" است که منتسب به پیامبر گرامی ﷺ می‌باشد، اهتمام تکفیری‌ها به این روایت، به قدری است که مفاد این روایت

را به عنوان یک اصل راهبردی در شیوه عمل کرد خود قرار داده‌اند. روایت منتسب به پیامبر ﷺ به این صورت است که ایشان فرمودند: «بعثت بين يدي الساعة بالسيف حتى يعبد الله تعالى وحده لا شريك له، وجعل رزقي تحت ظل رمحي، وجعل الذل والصغار على من خالف أمري، ومن تشبه بقوم فهو منهم»؛ با شمشیر پیش از قیامت مبعوث شدم تا تنها خدای یگانه که شریکی ندارد عبادت شود. روزی‌ام زیر سایه نیزه‌ام قرار داده شده است و ذلت و خواری برای کسی قرار داده شده که از دستور من سرپیچی کند و کسی که خود را به قومی تشبیه کند، از آنان خواهد بود.^۱

امروزه سلفیان تکفیری این روایت را از مهم‌ترین مستندات خود در مشروعیت‌بخشی به عمل‌کردشان در ممالک اسلامی می‌دانند. در ادامه، دیدگاه این گروه در ذیل این روایت و نقد آن، بیان می‌گردد.

تبیین دیدگاه سلفیه جهادی

سلفیه جهادی در مشروعیت‌بخشی به اقدامات خود، تکیه زیادی به روایات منسوب به پیامبر گرامی اسلام ﷺ دارند. این گروه سعی دارد با تکیه بر روایات سیف، اذهان عمومی را مجذوب خود نموده و عمل خویش را به دین منتسب سازند؛ در واقع یکی از مهم‌ترین روایاتی که مورد استناد آنها می‌باشد، روایت سیف است؛ تا جایی که در عمل کرد خود تکیه زیادی به این روایت دارند و در بسیاری از موارد، سخن و یا نوشتار خود را با فرازهایی از این روایت شروع می‌کنند؛^۲ برای نمونه، عبدالله عزام در شروع سخن خود خطاب به جهادی‌های افغانستان تصریح دارد:

«فلقد اختار الله برحمته هذا الدين ليكون رحمة للعالمين، وأرسل سيد المرسلين صلى الله عليه وسلم ليكون خاتماً للنبيين بهذا الدين، ونصر هذا الدين بالسيف فقد قال صلى

۱. ابن حنبل شیبانی، احمد، مسند احمد، ج ۹، ص ۴۷۸.

۲. ابوبصیر طرطوسی، عبدالمنعم، وقفات مع الشيخ سفر في بيانه للأمة عن الأحداث وخطابه المقتوح إلى الرئيس بوش، ص ۱۴؛ ابومصعب سوری، عمر عبدالحکیم، دعوة المقاومة الإسلامية العالمية، ج ۳، ص ۳۰۷؛ ابومحمد مقدسی، عاصم، هذا ما أدين الله به .. وجوب نصره المسلمين في أفغانستان وكفر من ظاهر عليهم عبدة الصليبان وكشف تلبیس الأخبار والرهبان، ص ۱.

الله عليه وسلم في الحديث الصحيح و جعل رزقي تحت ظل رمحي»؛ پس همانا خداوند این دین را اختیار نموده، تا رحمت برای عالمین باشد، و پیامبرش را فرستاد تا به واسطه آن، دین خاتم النبیین باشد. یاری داد دین را به واسطه شمشیر... پس پیامبر ﷺ فرمود: قرار داده شده است روزی من در سایه نیزه‌ام.^۱ ابومحمد مقدسی نیز در ابتدای سخنان خود خطاب به سلفیان جهادی در افغانستان، سخنش را این گونه شروع نموده است: والصلاة والسلام على خاتم الأنبياء والمرسلين القائل... وجعل رزقي تحت ظل رمحي.^۲

تکیه تکفیری‌ها به این روایت آنقدر زیاد است که گروه تکفیری داعش در نشریه رسمی خود،^۳ به صورت مستقل این روایت را مورد بررسی قرار داده است؛^۴ با توجه به اهمیت این روایت نزد سلفیه جهادی، باید مستندات و برداشت‌های ایشان ذیل این روایت مشاهده و مورد بررسی قرار گیرد.

استنادات سلفیه ذیل روایت

با بررسی آثار رهبران فکری سلفیه تکفیری، روشن می‌گردد که ایشان در ذیل این روایت، دو ادعا را مطرح نموده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. پیامبر ﷺ در تبلیغ دین با شمشیر مبعوث شده است؛ از این رو تنها راه هدایت‌گری شمشیر می‌باشد.^۵
۲. روزی پیامبر ﷺ تنها از طریق جنگ و غنائم جنگی بوده و ایشان تنها می‌توانستند از این راه ارتزاق کنند.^۶

نقد

جهاد و دفاع از حریم اسلام، از مهم‌ترین مسائل است و روایات متعددی در کتب فریقین

۱. عزام، عبدالله، التجارة المنجية، ص ۱.

۲. ابومحمد مقدسی، عاصم، هذا ما أدين الله به... وجوب نصره المسلمين في أفغانستان وكفر من ظاهر عليهم عبدة الصليان وكشف تليس الأخبار والرهبان، ص ۱.

۳. نشریه رسمی داعش به نام دابق که پانزده شماره از آن از سوی این گروه در فضای مجازی منتشر گردیده است.

۴. داعش، نشریه رسمی داعش، «دابق»، شماره ۴، ص ۱۱.

۵. شتیوی، رشاد ابراهیم، الجهاد في سبيل الله شبهات وردود، ص ۷.

۶. داعش، نشریه رسمی داعش «دابق»، شماره ۴، ص ۱۱.

در این مورد وارد شده است؛ اما آنچه از سلفیه جهادی مشاهده می‌شود، سوء برداشت از این روایات و همچنین استناد به روایاتی ضعیف در استدلال‌های خود است؛ بنابراین برای بررسی دقیق دیدگاه سلفیه جهادی ذیل این روایت، باید روایت از جهت سندی و متنی مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی سندی

اصل این روایت که در مسند احمد آورده شده به این صورت است که می‌گوید:

«حَدَّثَنَا أَبُو النَّضْرِ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ ثَابِتٍ بْنُ ثَوْبَانَ، حَدَّثَنَا حَسَّانُ بْنُ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي مُنَيْبٍ الْجُرَشِيِّ، عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: بعثت بين يدي الساعة بالسيف حتى يعبد الله تعالى وحده لا شريك له، وجعل رزقي تحت ظل رمحي، وجعل الذل والصغار على من خالف أمري، ومن تشبه بقوم فهو منهم»^۱.

با مراجعه به صحاح سته که معروف‌ترین کتب روایی نزد اهل سنت هستند، مشاهده می‌شود که هیچ‌یک از صاحبان صحاح سته، این روایت را به‌صورت کامل بیان نکرده‌اند؛ بلکه بخاری تنها به قسمتی از این روایت اکتفا نموده است؛ البته آن را هم بدون ذکر سند و با لفظ (يُذَكِّرُ عَنْ ابْنِ عُمَرَ) آورده است^۲ که دلالت بر عدم جزم وی بر این روایت دارد؛ در واقع او روایت را به‌صورت معلق بیان نموده که بیان‌گر ضعف این روایت می‌باشد.^۳ ابی داود نیز تنها بخش آخر روایت را آورده که می‌فرماید: «و من تشبه بقوم فهو منهم»^۴.

علاوه بر عدم اهتمام صاحبان صحاح نسبت به این روایت، برخی دیگر از کتب روایی از قبیل التذكرة في الأحاديث المشتهرة^۵ المقاصد الحسنة^۶ این روایت را ضعیف دانسته‌اند؛ برخی دیگر نیز از قبیل علامه فتنی، روایت سیف را موضوع دانسته‌اند.^۷

۱. ابن حنبل شیبانی، احمد، مسند احمد، ج ۹، ص ۴۷۸.

۲. بخاری، محمد، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۴۴.

۳. قرضاوی، یوسف، فقه الجهاد، ج ۱، ص ۴۱۲.

۴. ابی داود، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۴۴.

۵. زرکشی، بدرالدین محمد، التذكرة في الأحاديث المشتهرة، ص ۱۰۲.

۶. سخاوی، محمد، المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة، ص ۶۳۹.

۷. فتنی، محمد طاهر، تذكرة الموضوعات، ص ۱۹۳.

با صرف نظر از عدم اعتنای صاحبان صحاح نسبت به این روایت، از جمله افرادی که در سند روایت می‌باشد، عبدالرحمن بن ثابت بن ثوبان است که با مراجعه به اقوال شارحین مسند احمد و همچنین کتب تراجم، به‌خوبی معلوم می‌گردد که در مورد وثاقت وی، اختلاف نظر زیادی وجود دارد؛^۱ تا جایی که برخی این روایت را به‌خاطر وجود این شخص طرد نموده‌اند؛ همان‌گونه که شعیب ارنأؤوط در ذیل روایت می‌گوید: این روایت به‌خاطر عبدالرحمن بن ثابت بن ثوبان ضعیف است و قابل اعتنا نمی‌باشد؛^۲ همچنین شیخ احمد شاکر به‌عنوان یکی از شارحین مسند احمد، در ذیل روایت ۳۲۸۱ (که در سلسله این روایت، ابن ثوبان وجود دارد)، عنوان کرده است: احمد بن حنبل وی را تضعیف نموده و در مورد او گفته است که به احادیث او اعتنا نمی‌شود.^۳

علاوه بر این، با مراجعه به کتب تراجم نیز، این عدم اعتنا به روایات ابن ثوبان به‌خوبی نمایان است که برای نمونه به برخی از این موارد اشاره می‌گردد.

حاکم نیشابوری تصریح دارد که مسلم به روایات وی اعتماد نداشته و از او روایتی را نقل ننموده است؛ همان‌گونه که ذهبی نیز به این امر تصریح دارد.^۴

عقیلی در کتاب ضعفاء الکبیر می‌گوید: شنیده‌ام که از احمد بن حنبل در مورد وی سوال شد و او پاسخ داد: عبدالرحمن بن ثابت ضعیف است و قوی نمی‌باشد.^۵

جرجانی در کتاب الکامل فی ضعفاء تصریح دارد: عبدالرحمن بن ثابت ضعیف است و به روایات او اعتنا نمی‌شود؛ همان‌گونه که نسائی او را ضعیف دانسته و از وی روایت نکرده است.^۶

ابن حجر عسقلانی در تهذیب التهذیب، وی را ضعیف دانسته و اقوال بزرگان اهل سنت را نیز در مورد ضعف وی جمع نموده است.^۷

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد، تعلیق التعلیق علی صحیح البخاری، ج ۳، ص ۴۴۵.

۲. ابن حنبل شیبانی، احمد، مسند احمد، ج ۹، ص ۴۷۸.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۱۸.

۴. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۸۸.

۵. عقیلی، محمد بن عمرو، ضعفاء الکبیر، ج ۲، ص ۳۲۶.

۶. جرجانی، أحمد بن عدی، الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۵، ص ۴۶۰.

۷. ابن حجر عسقلانی، احمد، تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۱۵۰.

همچنین در سند روایت، شخصی به نام ابی منیب آمده است که غیر از ابی داود (آن هم تنها در یک روایت)، هیچ یک از صاحبان صحاح از وی روایتی را نقل نکرده اند؛ علاوه بر این، در کتب تراجم از وی تنها کنیه اش موجود می باشد و اسم او مشخص نیست؛^۱ البته آلبانی نام وی را عبدالله بن عبدالله بیان کرده؛ اما او را ضعیف شمرده و قائل است که اعتنایی به روایت او نمی شود.^۲

بررسی دلالتی

بعد از بررسی سندی، باید از نظر دلالت نیز روایت را مورد بررسی قرار داد؛ با توجه به اینکه در اهمیت سلاح و همچنین جهاد روایاتی در فریقین وجود دارد، اما تکفیری ها در ذیل این روایت دو ادعا را مطرح نموده اند که مخالف با معارف ناب اسلام می باشد؛ بنابراین ادعاهای سلفیه جهادی، ذیل روایت سیف باید مورد بررسی قرار گیرد.

ادعای اول

پیامبر ﷺ در تبلیغ دین با شمشیر مبعوث شده است؛ بنابراین تنها راه هدایت گری شمشیر می باشد؛ همچنین آنها معتقدند که در حال حاضر، تنها گروهی که به این سنت نبوی عمل می کند، سلفیه جهادی می باشند که جهاد مسلحانه را در تبلیغ دین پیش گرفته اند؛^۳ از این رو ابومنذر حربی^۴ در پیامی خطاب به مخالفانشان گفته است: پس کفار بدانند که پیامبر ﷺ ما برای کشتار آمده است و دین او دین کشتن است و این همان راهی است که ما امروزه در پیش گرفته ایم.^۵

عبدالله عزام نیز در ذیل این روایت تصریح دارد: من در افغانستان و در بین جهادیون زندگی کرده ام و دانستم که توحید در نفوس انسان ها رسوخ پیدا نمی کند، مگر با قتال؛ لذا

۱. «وَلَا يَعْرِفُ أَشْمُ لِأَبِي مَنِيبٍ»؛ (عینی حنفی، محمود، عمدة القاری شرح صحیح بخاری، ج ۱۴، ص ۱۹۲)؛ (ابن حجر عسقلانی، احمد، تعلیق التعليق علی صحیح البخاری، ج ۳، ص ۴۴۵).

۲. البانی، محمد ناصر الدین، سلسلة الاحادیث الضعیفة والموضوعة، ج ۴، ص ۳۲۰.

۳. سباعی، هانی، الصواعق المرسلة علی الندوة الممهذلة، ص ۶۲.

۴. از رهبران فکری گروه تکفیری القاعده.

۵. «نبینا صلی الله علیه وسلم إنه سفاح وإنه بعث لیقتل الناس»؛ (حربی، ابومنذر، عون الحکیم الخیر فی الرد علی کتاب البرهان المنیر، ص ۳۷۵).

تنها راه انتشار توحید، قتال با مخالفین می‌باشد؛ همان‌گونه که پیامبر ﷺ در روایت مذکور این‌گونه فرمودند: ^۱ پس بنا بر این روایت، قتال با مخالفین واجب است. ^۲

نقد

آنچه از کلام تکفیری‌های جهادی برداشت می‌شود آن است که با تکیه بر روایت سیف، قائل به انحصار گسترش اسلام از راه شمشیر می‌باشند؛ در حالی که با مراجعه به کتاب، سنت، و اقوال بزرگان مذاهب، خلاف دیدگاه ایشان روشن می‌گردد.

کتاب

قرآن کریم هرگونه اجبار و تحمیل را در پذیرش دین نفی و مردود دانسته است. این رویکرد در آیات زیادی از قرآن بیان شده است؛ از این رو به برخی از این آیات اشاره می‌گردد:

۱. ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾؛ در دین هیچ اجباری نیست. هدایت از گمراهی مشخص شده است. ^۳

در شان نزول این آیه شریفه وارد شده است که مردی از انصار و از قبیله بنی‌سالم بن عوف، دارای دو فرزند نصرانی بود؛ در حالی که پدرشان انسانی مومن بود. روزی این شخص از رسول الله ﷺ سوال کرد که آیا می‌توانم فرزندانم را مجبور به پذیرش اسلام کنم یا نه؟ در جواب سوال شخص، این آیه شریفه نازل شد و اجبار در پذیرش دین را مردود دانست. ^۴

ابن تیمیه حرانی به‌عنوان کسی که سلفی‌های تکفیری در عمل کرد خود، تکیه زیادی به اندیشه وی دارند، در ذیل این آیه ضمن مردود دانستن اجبار بر پذیرش دین تصریح دارد: پیامبر ﷺ مدت ده سال در مکه حضور داشت؛ در حالی که مردم بت‌پرست بودند و اصلاً وی کسی را مجبور به پذیرش اسلام ننمود. برای این مسئله با هیچ‌کس قتال نکرد. ^۵ این کلام بیان‌گر آن است که پذیرش اسلام با اکراه مردود می‌باشد.

۱. عزام، عبدالله، التریبة الجهادية والبناء، ص ۳۷.

۲. سید امام، عبدالقادر بن عبدالعزیز، الجامع فی طلب العلم الشریف، ص ۱۱۷.

۳. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۶۸۲.

۵. ابن تیمیه حرانی، احمد، الجواب الصحیح لمن بدل دین المسيح، ج ۵، ص ۳۹۲.

۲. «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»؛ آیا می‌توانی مردم را وادار نمایی تا مومن گردند؟^۱

یکی دیگر از آیاتی که خطاب به پیامبر ﷺ در عدم اجبار و اکراه آنان بر پذیرش ایمان می‌باشد، آیه شریفه مذکور است که پذیرش ایمان با اکراه را مردود دانسته است؛ همان‌گونه که مفسرین در ذیل آیه، به این امر اذعان دارند که به برخی از این موارد اشاره می‌گردد.

طبری در ذیل آیه شریفه تصریح دارد که خداوند هرگونه اکراهی را بر پذیرش دین منع نموده است.^۲

ابن‌کثیر نیز می‌گوید: آیه مذکور بیان‌گر آن است که خداوند می‌فرماید: ای پیامبر ﷺ الزام و اکراه بر پذیرش دین مردود می‌باشد و تو مامور به آن نیستی.^۳ رشید رضا نیز در ذیل آیه شریفه تصریح دارد: آیه بیان‌گر آن است که ای پیامبر ﷺ، تو و حتی دیگر پیامبران وظیفه‌ای بر اجبار و اکراه افراد بر پذیرش دین ندارند؛ همان‌گونه که در آیاتی دیگر نیز به این امر تصریح شده است؛ از جمله آیه: «إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ»؛ نیست برای تو مگر تبلیغ کردن؛^۴ «وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ»؛ ای پیامبر ﷺ تو مامور به اجبار کردن آنان نیستی.^۵ از این‌رو بنابر آیه شریفه و همچنین دیگر آیاتی که در این مضمون بر پیامبر ﷺ نازل شده است، اکراه دیگران بر پذیرش دین مردود می‌باشد.^۶

۳. «وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ»؛ ای پیامبر ﷺ تو مامور به اجبار کردن آنان نیستی.^۷ یکی دیگر از آیاتی که اجبار در پذیرش دین را نفی و مردود دانسته، آیه ۴۰ سوره "ق"

۱. سوره یونس، آیه ۹۹.

۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تاویل القرآن، ج ۱۵، ص ۲۱۳.

۳. ابن‌کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۲۹۸.

۴. سوره شوری، آیه ۴۸.

۵. سوره ق، آیه ۴۵.

۶. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر المنار)، ج ۹، ص ۳۹۵.

۷. سوره ق، آیه ۴۵.

می‌باشد که مفسران در ذیل آن تصریح دارند، خداوند در این آیه شریفه، پیامبر ﷺ را از اجبار در پذیرش دین منع نموده است؛^۱ بنابراین با عنایت به آیات مذکور، و همچنین آیات دیگری که در این مضمون هستند، به‌خوبی اثبات می‌گردد که اجبار نمودن و استفاده از صلاح در تبلیغ دین مردود است.

سنت نبوی و سیره صحابه

با مراجعه به سیره نبوی و صحابه، به‌خوبی معلوم می‌شود که ایشان اصلاً کسی را مجبور به پذیرش دین ننمودند و اصلاً درصدد تبلیغ دین به‌واسطه شمشیر نبودند. این امر در فتوحاتی که از ناحیه ایشان و همچنین سلف محقق شده، به‌خوبی نمایان است؛ همان‌گونه که وقتی پیامبر گرامی اسلام ﷺ عهدنامه‌ای با اهل مدینه نوشتند و در آن تصریح کردند: یهودیان در کنار مسلمانان زندگی کنند و می‌توانند بر آیین خود بمانند؛ بدون اینکه مجبور به پذیرش اسلام باشند؛^۲ همچنین در مورد بنی‌نجران و قبیله بنی‌عامر در تاریخ وارد شده است که پیامبر ﷺ، ایشان را در پذیرش اسلام مخیر نمودند و هیچ‌یک از این قبایل را مجبور به پذیرش اسلام ننمودند؛^۳ بعد از وفات پیامبر گرامی اسلام ﷺ، بنابر شواهد تاریخی، خلفا نیز هیچ‌کس را مجبور به پذیرش اسلام ننمودند؛ تا جایی که در منابع اهل سنت وارد شده، وقتی عمر بن خطاب مصر را فتح کرد، مردم تا چندین سال بعد از آن هنوز اسلام نیاورده بودند و اکثر آنان مسیحی بودند؛ با این وجود هیچ‌کس ایشان را مجبور به پذیرش اسلام ننمود.^۴

علاوه بر این، با مراجعه به آثار بزرگان مذاهب و حتی سلفیانی که اندیشه ایشان مورد اعتنای جهادیون می‌باشد، خلاف چنین دیدگاهی روشن می‌گردد که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

ابن قیم جوزیه در این مورد می‌گوید: پیامبر ﷺ هیچ‌کسی را مجبور به پذیرش دین

۱. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ج ۷، ص ۴۱۲؛ آلوسی، محمود، روح المعانی، ج ۱۳، ص ۳۴۴.

۲. ابن هشام، عبدالملک، سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۳۱.

۳. ابن کثیر، اسماعیل، البدایة والنهایة، ج ۵، ص ۶۴.

۴. متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال، ج ۱۲، ص ۶۶۱.

نمود و این همان دستوری بود که خداوند در آیه ۲۵۶ سوره بقره،^۱ به ایشان ابلاغ نمودند؛ علاوه بر این، ایشان نیز شروع کننده جنگ با هیچ کس نبودند و تنها برای دفاع و حفظ دین به مقابله با مخالفین می پرداختند.^۲

"خلاف" نیز ضمن مردود نمودن اکراه در پذیرش دین می گوید: وسائل قهر و اکراه از اسباب انتشار دین نمی باشند؛ چراکه دین باید در قلوب افراد رخنه کند، نه اینکه به اجبار بر ایشان تحمیل گردد؛ لذا بنابر آیه ۲۵ سوره بقره باید گفت: دعوت به دین باید به واسطه موعظه و بیان حجت باشد؛ نه به واسطه شمشیر.^۳

مودودی نیز در بیانیه ای که در سال ۱۳۸۱ق در ایام حج داشت، تصریح دارد: در پایان نصیحتی برای شما دارم، و آن اینکه برای تغییر اوضاع و تحقق اهداف خود، به گروه های سرّی روی نیاورید؛ چراکه این نوعی شتاب زدگی است و هیچ فایده ای را در بر نخواهد داشت. این اقدام، رسیدن به هدف از کوتاه ترین راه می باشد؛ در حالی که راه صحیح برای تغییر و تحول، دعوت علنی و همچنین اصلاح دل ها می باشد؛ پس به اصلاح دل ها بپردازید و از خشونت برای هدایت گری دوری کنید.^۴

البانی هم در تعلیقه ای که بر کتاب العقیده الطحاویه دارد، در این باب می گوید: بنابر آیه شریفه: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر اینکه آنان آنچه را که در خودشان هست تغییر دهند؛^۵ راه هدایت - گری برگشت به سوی خداوند و راهنمایی نمودن اعضای خانواده و نزدیکان به معارف صحیح دینی می باشد؛ بنابراین اقدامات برخی از گروه های افراطی که تنها راه هدایت را قیام مسلحانه علیه حاکمان و مردم مخالف خود پنداشته اند، مردود می دانم؛ چراکه این از بدعت های عصر حاضر است و با متون دینی که ما را به اصلاح نفس ارشاد نموده،

۱. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»؛ (در دین هیچ اجباری نیست. هدایت از گمراهی مشخص شده است).

۲. ابن قیم، محمد، هدایة الخیار فی أجوبة اليهود والنصارى، ص ۲۳۷.

۳. خلاف، عبدالوهاب، السياسة الشرعية فی الشئون الدستورية والخارجية والمالية، ص ۸۱.

۴. مودودی، ابوالاعلی، واجب الشباب الیوم، ص ۲۶.

۵. سوره رعد، آیه ۱۱.

مخالف می‌باشد.^۱

ادعای دوم

رزق و روزی پیامبر ﷺ تنها از طریق جنگ و غنائم جنگی بوده و ایشان تنها می‌توانستند از این راه ارتزاق کنند؛^۲ در واقع باید همه بدانند که دین پیامبر ﷺ همان دینی است که مال به‌دست نمی‌آورد، مگر با کشتن مخالفین و تصاحب کردن اموالشان، و ما به چنین دینی افتخار می‌کنیم.^۳ از نظر سلفیه، بهترین راه تحصیل روزی به‌واسطه غنائم است؛ چراکه با غلبه و به اجبار از دیگران گرفته می‌شود.^۴

نقد

از جمله ادعاهای سلفیه جهادی این است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ روزی‌اش را تنها از راه جنگیدن و غنائم جنگی به‌دست می‌آورد. آنها به‌گونه‌ای القا می‌کنند که الان، بهترین راه برای به‌دست آوردن روزی، جنگیدن با مخالفین و گرفتن اموال آنان می‌باشد و با استناد به این روایت، افراد را ترغیب به حضور در سوریه و عراق و دیگر مناطق کرده و چنین القا می‌کنند که مابقی مشاغل اهمیت و جایگاهی ندارند.^۵ این در حالی است که مشاغل دیگر از قبیل تجارت و کشاورزی، نزد پیامبر ﷺ از جایگاه بالایی برخوردار بوده و در مدح تاجران و کشاورزان، روایاتی را بیان نموده‌اند که برخی از این روایات عبارت‌اند از:

الف. روایات پیامبر ﷺ در فضل تجارت:

۱. «التاجر الأمين الصدوق المسلم، مع الشهداء يوم القيامة»؛ تاجر امین و صادق و

مسلمان، در روز قیامت با شهدا خواهد بود.^۶

۱. البانی، ناصرالدین، تخریج عقیده الطحاویة، ص ۶۹.

۲. داعش، نشریه رسمی داعش «دابق»، شماره ۴، ص ۱۱.

۳. «إن دینه دین مرتزقة لا یکسبون المال إلا بالقتال والنهب»؛ (حربی، ابومنذر، عون الحکیم الخیر فی الرد علی کتاب البرهان المنیر، ص ۲۷۵).

۴. عزام، عبدالله، فی ظلال سورة التوبة، ص ۶۴.

۵. داعش، نشریه رسمی داعش «دابق»، شماره ۴، ص ۱۳.

۶. ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۲، ص ۵۰۶؛ ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۲۴.

۲. «أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ التَّاجِرُ الصَّدُوقُ»؛ اولین کسی که وارد بهشت می‌شود، تاجر صادق است.^۱

۳. «التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ»؛ تاجر صادق و امین، با انبیا و صدیقین و شهدا است.^۲

ب. روایات پیامبر ﷺ در فضیلت کشاورزی و باغداری

۱. صدقه جاری بودن کشاورزی و باغداری؛ همان‌گونه که پیامبر ﷺ در این باب می‌فرماید «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا، أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ، إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ»؛ هیچ مسلمانی نیست که درختی را بنشاند و یا زراعتی را کشت کند که پرنده، انسان و یا حیوانی از آن استفاده کند، مگر اینکه برای آن شخص یک صدقه خواهد بود.^۳

۲. تاکید پیامبر ﷺ به صحابه بر زراعت روی زمین‌هایشان و یا دادن زمین به غیر، برای زراعت کردن در صورت عدم توان صاحب زمین؛ در این باب پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَنْ كَانَتْ لَهُ أَرْضٌ فَلْيَزْرِعْهَا، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَزْرِعَهَا وَعَجَرَ عَنْهَا، فَلْيُتِمِّنْهَا أَخَاهُ الْمُسْلِمَ»؛ هر کسی که زمینی دارد روی زمینش کشاورزی کند و اگر توان کشاورزی ندارد، زمین را به برادر دینی‌اش بدهد که او کشاورزی کند.^۴

۳. اهتمام بر کشاورزی حتی در صورت شروع قیامت؛ پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این باب فرمودند: «إِنْ قَامَتْ عَلَى أَحَدِكُمُ الْقِيَامَةُ، وَفِي يَدِهِ فُسَيْلَةٌ فليغرسها»؛ اگر قیامت برای یکی از شما شروع شد و در دست او درختی (نهال درخت) بود، پس آن درخت را غرس کند.^۵

با توجه به روایات بیان شده، جایگاه و فضیلت مشاغل مانند کشاورزی و تجارت در

۱. ابن ابی شیبہ، عبد الله، المصنّف في الأحاديث والآثار، ج ۷، ۲۷۵.

۲. دارمی، عبد الله، سنن دارمی، ج ۳، ص ۱۶۵۳؛ دیلمی، ابوشجاع شیرویه، الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۲، ص ۷۸؛ دارقطنی، علی بن عمر، سنن الدارقطنی، ج ۳، ص ۳۸۷.

۳. بخاری، محمد، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۰۳؛ نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۱۸۸.

۴. نسائی، احمد، سنن نسائی، ج ۷، ص ۳۶؛ نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۱۷۶.

۵. ابن حنبل، شیبانی، احمد، مسند احمد، ج ۲۰، ص ۲۵۱؛ متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، ج ۳، ص ۸۹۲.

نزد پیامبر گرامی اسلام ﷺ روشن می‌گردد؛ اما باید پرسید، آیا خود ایشان هم به این مشاغل اهتمام داشته‌اند یا نه؟ در صورت عدم اشتغال ایشان به این امور، دلیل آن باید بررسی گردد.

با مراجعه به منابع تاریخی و روایی، به‌خوبی روشن است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ قبل از بعثت به امر چوپانی مشغول بوده‌اند که در مقابل آن، از مالکان گوسفندان مزد اندکی هم دریافت می‌نمودند؛ همان‌گونه که ایشان در روایتی فرمودند «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا رَعَى الْغَنَمَ. فَقَالَ أَصْحَابُهُ: وَأَنْتَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، كُنْتُ أَزْعَاهَا عَلَى قَرَارِيطٍ لِأَهْلِ مَكَّةَ»؛ خداوند مبعوث نکرده است پیامبری را مگر اینکه او چوپان بوده. اصحاب گفتند: ای رسول خدا ﷺ شما هم این‌گونه بوده‌اید؟ فرمودند: بله در ازای چند قیراط^۱ گوسفندان مردم مکه را می‌چراندم.^۲

علاوه بر این، بنابر شواهد تاریخی، پیامبر ﷺ به امر تجارت نیز مشغول بوده‌اند.^۳ ایشان ابتدا در سن دوازده سالگی همراه عموی خود (ابوطالب) به شام رفته و تجارت نمودند؛^۴ سپس به‌عنوان نماینده همسر بزرگوارشان، خدیجه عليها السلام به امر تجارت مشغول بودند.^۵

ادعای سلفیان تکفیری این است که پیامبر ﷺ به‌واسطه جنگ و غنائم آن روزی می‌خوردند؛ در حالی که پیامبر ﷺ قبل از هجرت به مدینه و شروع جنگ‌های تحمیلی نسبت به ایشان، مدت سیزده سال در مکه بودند و روزی ایشان متکی بر جنگ نبود؛ بلکه به‌واسطه کار و همچنین سرمایه‌ای که حضرت خدیجه عليها السلام داشتند رزق خود را تأمین می‌کردند؛ همان‌گونه که خود ایشان در روایتی در وصف حضرت خدیجه عليها السلام خطاب به عایشه به این مسئله اشاره نموده و فرمودند: «وَاسْتَنِي بِمَالِهَا إِذْ حَرَمَنِي النَّاسُ»؛ مرا با

۱. واحد پول در بین قریش قبل از اسلام.

۲. بخاری، محمد، الصحيح البخاری، ج ۳، ص ۸۸.

۳. ابن‌هشام، عبدالملک، سيرة ابن‌هشام، ج ۲، ص ۶.

۴. طلیحی اصفهانی، اسماعیل، دلائل النبوة، ص ۴۵؛ عامری حرضی، یحیی، بهجة المحافل وبغية الأماثل في تلخیص المعجزات والسير والشمائل، ص ۴۵.

۵. ابن‌کثیر، اسماعیل، الفصول في السيرة، ص ۹۴؛ ابوشهبه، محمد، السيرة النبوية على ضوء القرآن والسنة، ص ۲۱۵.

اموالش یاری داد، در زمانی که مردم من را تحریم کرده بودند.^۱

همچنین با مراجعه به قرآن و با تصریح مفسرین در ذیل آیه خمس،^۲ اجازه استفاده کردن پیامبر ﷺ از غنائم جنگی در آیه خمس نازل شده که نزول این آیه شریفه، در جنگ بدر بود؛ این در حالی است که جنگ بدر در سال دوم هجری رخ داد؛ با این وجود، پیامبر ﷺ قبل از وقوع جنگ بدر چگونه ارتزاق می نمودند؟!

ایشان تا قبل از جنگ بدر دو سال در مدینه حضور داشتند که جنگی هم با کفار انجام ندادند، و از راه‌هایی غیر از غنیمت جنگی ارتزاق می نمودند؛ پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، جنگ‌های تحمیلی بر مسلمانان خیلی زیاد بود و مخالفین از هر طرف برای خشکاندن ریشه اسلام هجوم آورده بودند؛ از طرفی نیز، افراد زیادی به صورت تک- تک و یا گروه‌گروه برای آشنایی و ایمان آوردن به اسلام می آمدند که پیامبر ﷺ تمام وقت‌شان را صرف تبلیغ و بیان معارف و یا در حال جنگ با مخالفین گذراندند که در این صورت باید گفت، عملاً ایشان وقتی برای انجام امور دیگر نداشتند؛ به علاوه، این ادعای تکفیری‌ها (روزی پیامبر ﷺ تنها از طریق غنائم جنگی بوده)، با روایات صحیح تنافی دارد؛ چراکه از عائشه نقل است که وی خطاب به عروه گفت: ای پسر خواهرم، ما به هلال ماه نگاه می کردیم و سه هلال ماه را می دیدیم (کنایه از اینکه سه ماه می گذشت)، ولی در خانه‌های رسول اکرم ﷺ آتشی روشن نمی شد. عروه سوال کرد: چگونه زندگی می کردید؟ عائشه پاسخ داد: با خرما و آب؛ مگر اینکه برخی مواقع همسایه ما که از انصار بود، گاوی داشت و برای خانه رسول خدا ﷺ مقداری شیر می آورد و ما از آن تغذیه می کردیم؛^۳ با توجه به این روایت، به خوبی معلوم می گردد که اولاً، پیامبر ﷺ دنبال

۱. طبرانی، سلیمان، معجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۱۳؛ ابن حنبل شیبانی، احمد، مسند احمد، ج ۴۱، ص ۳۵۶.

۲. «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّبَعِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۳. «عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّهَا قَالَتْ لِعُرْوَةَ: إِنَّنِ اخْتَبِ، إِنْ كُنَّا لَنَنْتَظِرُ إِلَى الْهِلَالِ ثَلَاثَةَ أَهْلٍ فِي شَهْرَيْنِ، وَمَا أُوقِدَتْ فِي أَيْتَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَارٌ. فَقُلْتُ: مَا كَانَ يُعِيشُكُمْ؟ قَالَتْ: الْأَسْوَدَانِ الثَّمَرُ وَالْمَاءُ، إِلَّا أَنَّهُ قَدْ كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جِيرَانٌ مِنَ الْأَنْصَارِ، كَانَ لَهُمْ مَنَاحٍ، وَكَانُوا يَمْنَحُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَيْتَاتِهِمْ فَيَسْقِيْنَاهُ»؛ (بخاری، محمد، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۹۷)؛ (نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۸۳).

مال دنیا نبودند، تا جایی که زندگی ایشان به صورت بسیار ساده بود. برخلاف گروه‌های تکفیری که با حمله به مناطق مختلف، تمام اموال مردم را به غارت می‌برند. ثانیاً روشن می‌شود که ارتزاق پیامبر ﷺ تنها از طریق غنائم جنگی نبوده و ایشان از راه‌های دیگری نیز کسب روزی می‌کردند؛ پس انحصار رزق ایشان به غنائم جایز نمی‌باشد. علاوه بر این، باید به این نکته توجه نمود که غنائمی که مسلمانان صدر اسلام به- دست می‌آوردند و مقداری نیز سهم پیغمبر ﷺ بود، از اموال کفار محارب بود که به- عنوان غنیمت جنگی شناخته می‌شد؛ در حالی که سلفیه جهادی به وسیله این روایت، خواهان مشروعیت بخشیدن به غارت اموال مسلمانان در ممالک اسلامی است و می- خواهند حکم غنیمت جنگی را بر آن حمل نمایند.

نتیجه

با بررسی سیره و سنت پیامبر ﷺ از آغاز اسلام تا زمان رحلت ایشان روشن گشت که اولاً، اسلام با دعوت و رحمت رشد کرد و حضرت در برابر کفار از اسلام و مسلمانان دفاع می‌کردند. دوم اینکه رزق و معاش پیامبر ﷺ از طریق کار و سرمایه همسرشان بود. سلفیه جهادی با تکیه بر روایت سیف، دو ادعا را ذیل آن مطرح نموده‌اند: اول اینکه بنابر روایت سیف، تنها راه گسترش اسلام جهاد مسلحانه است؛ در حالی که با تکیه بر آیاتی که اکراه در پذیرش دین را مردود دانسته، و همچنین سیره پیامبر ﷺ در تبلیغ دین، استفاده از شمشیر و اجبار در پذیرش دین رد شده است.

ادعای دوم سلفیان تکفیری این است که تنها منبع ارتزاق پیامبر ﷺ از راه غنائم جنگی بوده است؛ اما با مراجعه به کتاب، سنت و اقوال بزرگان مذاهب و حتی سلفیه، روشن گردید که این ادعا بی‌دلیل بوده، و پیامبر ﷺ ضمن مدح نمودن دیگر مشاغل (از قبیل تجارت و کشاورزی)، از طریق چوپانی و تجارت و دیگر مشاغل، ارتزاق نموده‌اند؛ پس برخلاف ادعا و بزرگ‌نمایی سلفیه جهادی، نمی‌توان مدعی شد که ایشان تنها از طریق غنیمت کسب روزی می‌نمودند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن تیمیہ حرانی، احمد، **الجواب الصحيح لمن بدل دين المسيح**، عربستان: دارالعاصمة، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد، **تغليق التعليق على صحيح البخارى**، تحقيق: قزفي، سعيد عبدالرحمن، بيروت: المكتبة الاسلامي، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد، **تهذيب التهذيب**، هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية، چاپ اول، ۱۳۲۶ق.
۵. ابن حنبل شيباني، احمد، **مسند احمد**، تحقيق: شعيب ارنأووط، بيروت: مؤسسة الرسالة چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۶. ابن قيم، محمد، **هداية الحيارى في أجوبة اليهود والنصارى**، تحقيق: احمد الحاج، جده: دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۷. ابن كثير دمشقى، اسماعيل، **تفسير القرآن العظيم**، تحقيق: سامى بن محمد بن سلامة، بيروت: دار طيبة للنشر والتوزيع، چاپ دوم، ۱۴۲۰ق.
۸. ابن كثير دمشقى، اسماعيل، **الفصول في السيرة**، تحقيق: محمد العيد خطراوى، بيروت: مؤسسة علوم القرآن، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۹. ابن ماجه قزوینی، محمد، **سنن ابن ماجه**، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء الكتب العربية، بی تا.
۱۰. ابوبصير طرطوسى، عبدالمنعم، **وقفات مع الشيخ سفر في بيانه للأمة عن الأحداث وخطابه المفتوح إلى الرئيس بوش**، سايت آرشیو منبر التوحيد والجهاد، www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
۱۱. ابوشهبه، محمد، **السيرة النبوية على ضوء القرآن والسنة**، دمشق: دارالقلم، دمشق، چاپ هشتم، ۱۴۲۷ق.
۱۲. ابومحمد مقدسى، عاصم برقأوى، **هذا ما أدين الله به .. وجوب نصره المسلمين في أفغانستان وكفر من ظاهر عليهم عبدة الصلبان وكشف تلبیس الأخبار والرهبان**، سايت آرشیو منبر التوحيد والجهاد، www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
۱۳. ابومصعب سورى، عمر عبدالحكيم، **دعوة المقاومة الإسلامية العالمية**، سايت آرشیو منبر التوحيد والجهاد، www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
۱۴. ابوداود سجستانی، سليمان، **سنن أبى داود**، تحقيق: محمد محيى الدين عبد الحميد، بيروت:

المكتبة العصرية، بى تا.

١٥. أوسى، محمود بن عبدالله، **روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني**، تحقيق: على عبدالبارى، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ أول، ١٤١٥ق.

١٦. البانى، محمد ناصرالدين، **تخريج العقيدة الطحاوية**، بيروت: المكتب الاسلامى، چاپ دوم، ١٤١٤ق.

١٧. البانى، محمد ناصرالدين، **سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة**، رياض: دارالمعارف، چاپ أول، ١٤١٢ق.

١٨. بخارى، محمد، **صحيح البخاري**، تحقيق: محمد زهير بن ناصر، دار طوق النجاة، چاپ أول، ١٤٢٢ق.

١٩. ترمذى، محمد، **سنن الترمذى**، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: دارالغرب الإسلامى، ١٩٩٨م.

٢٠. جرجاني، أحمد بن عدى، **الكامل فى ضعفاء الرجال**، تحقيق: عادل أحمد عبدالموجود، على محمد معوض، بيروت: الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٨ق.

٢١. حاكم نيشابورى، محمد، **المستدرک على الصحيحين**، تعليق: محمد بن أحمد ذهبى، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ أول، ١٤١١ق.

٢٢. حربى، ابومنذر، **عون الحكيم الخبير في الرد على كتاب البرهان المنير في دحض شبهات أهل التكفير والتفجير**، سايت آرشييو منبر التوحيد والجهاد،

www.ilmway.com/site/maqdis/d.html

٢٣. خلاف، عبد الوهاب، **السياسة الشرعية في الشئون الدستورية والخارجية والمالية**، بى جا: دارالقلم، چاپ اول، ١٤٠٨ق.

٢٤. دارقطنى، على بن عمر، **سنن الدارقطني**، تحقيق: شعيب الارنؤوط و حسن عبدالمنعم شلبى و عبداللطيف حرزالله و أحمد برهوم، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ أول، ١٤٢٤ق.

٢٥. دارمى، عبدالله، **سنن الدارمى**، تحقيق: حسين سليم أسد الداراني، عربستان: دارالمغني للنشر والتوزيع، چاپ أول، ١٤١٢ق.

٢٦. ديلمى، ابوشجاع شيرويه، **الفردوس بماثور الخطاب**، تحقيق: سعيد بن بسيوني زغلول، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٠٦ق.

٢٧. رشيد رضا، محمد، **تفسير القرآن العظيم (تفسير المنار)**، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، چاپ اول، ١٩٩٠م.

٢٨. زركشى، بدرالدين محمد، **التذكرة في الاحاديث المشتهرة**، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا،

- بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٠٦ق.
٢٩. سباعي، هاني، **الصواعق المرسلة على الندوة المهزلة**، ناشر: سايت آرشيومنبر التوحيد والجهاد، www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
٣٠. سخاوي، محمد، **المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة**، تحقيق: محمد عثمان الخشت، بيروت: دارالكتاب العربي، چاپ اول، ١٤٠٥ق.
٣١. سيد امام، عبدالقادر بن عبدالعزيز، **الجامع في طلب العلم الشريف**، ناشر: سايت آرشيومنبر التوحيد والجهاد، www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
٣٢. شتيوي، رشاد ابراهيم، **الجهاد في سبيل الله شبهات و ردود**، سايت آرشيومنبر التوحيد والجهاد، www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
٣٣. طبراني، سليمان، **المعجم الكبير**، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، قاهره: مكتبة ابن- تيمية، چاپ دوم، بی تا.
٣٤. طبري، محمد بن جرير، **جامع البيان في تأويل القرآن**، تحقيق: أحمد محمد شاكر، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٣٥. طليحي اصفهاني، اسماعيل، **دلائل النبوة**، تحقيق: محمد حداد، رياض: دارالطبعة، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
٣٦. عامري حرضي، يحيى، **بهجة المحافل وبغية الأماثل في تلخيص المعجزات والسير والشمال**، بيروت: دارصادر، بی تا.
٣٧. عزام، عبدالله، **التجارة المنجية**، سايت آرشيومنبر التوحيد والجهاد، www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
٣٨. عزام، عبدالله، **التجارة المنجية**، سايت آرشيومنبر التوحيد والجهاد، www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
٣٩. عزام، عبدالله، **التربية الجهادية والبناء**، سايت آرشيومنبر التوحيد والجهاد، www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
٤٠. عزام، عبدالله، **في ظلال سورة التوبة**، سايت آرشيومنبر التوحيد والجهاد، www.ilmway.com/site/maqdis/d.html
٤١. عقيلي، محمد بن عمرو، **ضعفاء الكبير**، تحقيق: عبدالمعطي أمين قلججي، بيروت: دارالمكتبة العلمية، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
٤٢. عماره، محمد، **الفريضة الغائبة جذور و حوارات و دراسات و نصوص**، مصر: نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ اول، ٢٠٠٩م.

۴۳. عینی حنفی، محمود، **عمدة القاری شرح صحیح البخاری**، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.

۴۴. متقی هندی، علی بن حسام، **کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال**، تحقیق: بکری حیانی و صفوة السقا، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق.

۴۵. مودودی، ابوالاعلیٰ، **واجب الشباب الیوم**، سایت آرشیو منبر التوحید و الجهاد، www.ilmway.com/site/maqdis/d.html

۴۶. داعش، نشریه رسمی داعش (دابق)، بی جا: گروه تکفیری داعش، بی تا.